

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر

حسن بادینی*

استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۹/۱۲)

چکیده:

در حقوق کشورها یا حتی کلی با عنوان «حق بر شخصیت» به رسمیت شناخته شده یا قوانینی خاص در خصوص برخی از مصادیق این حق به تصویب رسیده است و یا قواعد مرسوم مسئولیت مدنی اجرا می‌شود. از آنجا که پاره‌ای از مصادیق حقوق معنوی مربوط به شخصیت در قلمرو حقوق بشر نیز قرار می‌گیرد؛ لازم است به این پرسشها پاسخ داده شود که آیا این حقوق، علاوه بر ضمانت اجرای مدنی از ضمانت اجرای حقوق عمومی هم برخوردار خواهند بود یا خیر؟ و آیا حقوق بشر تنها دارای «اثر عمودی» است و محدود به رابطه دولت و شهروندان است و یا این که نقض این حقوق «اثر افقی» هم دارد و از ضمانت اجرای مسئولیت مدنی می‌توان در دعاوی مربوط به نقض حقوق بشر هم استفاده کرد؟

واژگان کلیدی:

مسئولیت مدنی، حقوق مربوط به شخصیت، حقوق بشر، حق بر شخصیت، حریم خصوصی.

مقدمه

انسان در کنار حق مالکیت که از طریق فعالیت به دست می‌آید؛ صرفاً به خاطر انسان بودن و بطور ذاتی حقوقی دیگر دارد که به محض تولد از آن برخوردار است. معمولاً چنانچه بحث رابطه دولت و شهروندان و محدود کردن اختیارات دولت مطرح باشد به این حقوق «حقوق بشر» (Droit de l'homme et du citoyen) گفته می‌شود؛ اما چنانچه از رابطه خصوصی اشخاص سخن گفته شود از این حقوق با عنوان «حقوق مربوط به شخصیت» (Droit de la personnalité) نام برده می‌شود. این حقوق مجموعه ارزشهایی است که هر شخصی به عنوان عضوی از جامعه از آن برخوردار است و لطمه به آنها علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، مسئولیت مدنی نیز در پی دارد (Malaurie et Aynès, 2009, n° 280 et s; Courbe, 2009, pp. 11-17). حقوق مربوط به شخصیت به دو دسته تقسیم می‌شود: «حقوق جسمی مربوط به شخصیت» (Tangible rights to personality) که شامل حمایت از جان، تمامیت جسمانی و سلامت اشخاص است و «حقوق معنوی مربوط به شخصیت» (intangible rights to personality) که از آبرو و حیثیت، عزت نفس، حریم خصوصی، آزادی، نام و نام خانوادگی، عکس، تصویر، صدا، حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و مخترعین، عواطف، احساسات و باورها حمایت می‌کند (Bar, 2000, p. 93; Bateteur, 2009, pp. 67-74). در خصوص حمایت مدنی از دسته نخست اختلاف نظر بین نظامهای حقوقی کمتر است؛ اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری حقوق کشورها و تداخل برخی از این حقوق با حقوق بشر، قلمرو و نحوه حمایت از دسته دوم حقوق مربوط به شخصیت روشن نیست و مقایسه نظامهای حقوقی از این جهت کار بس دشواری است (Van Dam, 2006, p. 149). در این پژوهش، با توجه به ابهامات موجود، دسته دوم از حقوق مربوط به شخصیت و ارتباط آن با حقوق بشر کانون مطالعه قرار گرفته است.

امروزه گسترش و توسعه اطلاعات و ارتباطات، افزایش شهرنشینی و تمرکز انسانها و سهولت پخش و ذخیره اخبار، نوشته‌ها، اظهارات و تصاویر، آزادی، خودمختاری و خلوت اشخاص را در معرض خطر قرار داده است؛ به نحوی که می‌توان گفت انسان در این عصر هر روز بیش از پیش احساس خفگی و تنگنا می‌کند (Kayser, 1971, p. 445). از طرفی، افزایش اوقات فراغت و گسترش رسانه‌های همگانی به بهره‌برداری از حس کنجکاوی مردم نسبت به زندگی خصوصی اشخاص، بویژه افراد مشهور منجر شده است و از طرف دیگر، مصرفی شدن بیش از پیش جامعه نیاز به تبلیغات کالاها و خدمات را ایجاد کرده که این به نوبه خود موارد استفاده غیرقانونی از نام، شباهت، عقاید و ویژگیهای شخصیتی افراد را برای کسب منافع تجاری افزایش داده است (Ollier and Le Gall, 1981, p. 63). یکی از تدابیر لازم برای حمایت از این حقوق در قلمرو نظام حقوقی که می‌تواند همزمان هم نقش بازدارنده و هم نقش

ترمیمی داشته باشد؛ مسئولیت مدنی اشخاص به خاطر نقض حقوق مزبور است (Viney et Jourdain, 1998, n° 257).

در این پژوهش به این پرسشهای اساسی پاسخ داده می‌شود که مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت و حقوق بشر در مقایسه با نظام عام مسئولیت مدنی چه ویژگی‌هایی دارد؟ در این حوزه چه شخص یا اشخاصی (اشخاص خصوصی یا دولت) مسئول جبران خسارت است؟ آیا اشخاص برخوردار از حقوق مربوط به شخصیت و حقوق بشر تنها اشخاص حقیقی هستند یا شامل اشخاص حقوقی هم خواهد شد؟ بر اثر نقض این حقوق چه ضررهایی ممکن است بار آید؟ این ضررها را چگونه می‌توان ارزیابی و جبران کرد و به چه نحو می‌توان بین حقوق زیان‌دیده و حقوق واردکننده زیان (مانند آزادی بیان، اطلاعات و مطبوعات) تعادل ایجاد کرد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و تأمین روایی و اعتبار نتایج به دست آمده از مطالعه تطبیقی استفاده شده و حقوق ایران با حقوق کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان مورد مقایسه قرار گرفته است.

گفتار نخست - مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت

الف - حقوق تطبیقی

۱. فرانسه: در حقوق فرانسه، قانون ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۱ در زمینه مطبوعات «حق پاسخگویی» را به رسمیت شناخت و در پایان قرن نوزدهم دادگاه‌ها «حق بر نام» را شایسته حمایت تشخیص دادند و امروزه استفاده غیرمجاز از نام دیگری ضمانت اجرایی شبیه حق مطالبه (revendication) در زمینه مالکیت پیدا کرده است (Kayser, P., 1971, p. 445 et s) (Viney et Jourdain, 1998, n° 257).

رویه قضایی مدت‌ها نقض حریم خصوصی را مشمول ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی این کشور می‌دانست اما، در سال ۱۹۷۰ ماده ۹ اصلاحی قانون مدنی این کشور به صراحت حق اشخاص بر حریم خصوصی را به رسمیت شناخت که برابر آن: «نقض حریم خصوصی به خودی خود و بدون نیاز به اثبات تقصیر یا اثبات ورود ضرر معنوی به زیان‌دیده حق تقاضای جبران خسارت می‌دهد»؛ یعنی نقض حریم خصوصی به خودی خود تقصیر است و ورود زیان نیز مفروض است. برای مثال، در یکی از دعاوی که خواننده‌ای اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی خود را در روزنامه‌ای چاپ کرده بود، اما نسبت به انتشار آن در روزنامه خواننده رضایت نداده بود. دادگاه انتشاراین اطلاعات را نقض حریم خصوصی تلقی کرد (Van Dam, 2006, p. 152).

دادگاه، علاوه بر صدور حکم به پرداخت پول می‌تواند اقداماتی از قبیل توقیف، جریمه اجبار، انتشار حکم دادگاه یا از بین بردن صفحاتی خاص از یک کتاب را مورد حکم قرار دهد. افراد به استناد حق بر حریم خصوصی می‌توانند علیه اشخاصی که از طریق کتاب، سینما یا مطبوعات به افشای اطلاعات زندگی خصوصی آنها مبادرت کرده‌اند طرح دعوا کنند. حق بر حریم خصوصی شامل حق بر تصویر نیز هست که بر اساس آن بدون اجازه فرد نمی‌توان به انتشار آن مبادرت کرد. حق مزبور هر چند اصولاً جنبه معنوی غیرمالی دارد؛ اما رویه قضایی پذیرفته است که در مواردی از جنبه مالی نیز برخوردار است. مکاتبات و ارتباطات تلفنی افراد نیز بوسیله رویه قضایی در دایره شمول حق بر حریم خصوصی تشخیص داده شده است.

در خصوص حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در قوانین مربوط، از جمله قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ و اصلاحیه آن مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۸۵، حمایت لازم به عمل آمده است. ماده ۸ قانون ۳ ژوئیه ۱۹۷۲ حق پاسخگویی به مطالب اعلام شده در رادیو و تلویزیون را به رسمیت شناخته است. همچنین، جدای از حق پاسخگویی، اشخاص حقیقی و حقوقی در مقابل تحریف شخصیتشان نزد عموم حمایت شده‌اند و اسرار تجاری و اقتصادی مورد حمایت قرار گرفته است. وانگهی، قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ ماده ای جدید را به قانون مدنی اضافه کرده است (ماده ۱-۹) که به موجب آن «هر کس حق بهره‌مندی از اماره بی‌گناهی را دارد». و حتی عده‌ای پیشنهاد داده‌اند که قانونگذار وجود حقی را با عنوان «حق بر کیفیت زندگی» (*droit à la qualité de la vie*) یا «حق بر محیط زیست» که جزو حقوق مربوط به شخصیت قرار می‌گیرد به رسمیت شناسد. شناسایی این حق افراد را در مقابل ضررهایی که در حال حاضر در چارچوب تنگ نظریه مزاحمت‌های همسایگی قابل جبران نیست، حمایت می‌کند.

همچنین رویه قضایی پذیرفته است که چنانچه نام خواهان برای مشخص کردن شخصیتی خاص در اثری ادبی مانند رمان، نوشته، فیلم و نمایشنامه مورد استفاده قرار گیرد، در صورت اثبات تقصیر خواننده و نیز ورود ضرر ناشی از مشتبه شدن شخصیت زیان‌دیده با شخصیت خیالی نزد عموم او می‌تواند مسئول شناخته شود. وانگهی، آراییی یافت می‌شود که در آنها به دلیل استفاده از نام یا حتی نام مستعار شخصی بوسیله دیگری برای مقاصد تجاری یا حرفه‌ای، بدون نیاز به اثبات تقصیر استفاده‌کننده، او مسئول قلمداد شده است، به شرط این که استفاده از نام دیگری موجب گمراهی اشخاص ثالث شود.

آرای بسیار در خصوص لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص یافت می‌شود که نکته قابل توجه در این باره آن است که خسارات ناشی از لطمه به این جنبه از حقوق مربوط به شخصیت محدود به ضرر معنوی نیست، بلکه شامل منافع اقتصادی زیان‌دیده هم می‌شود. حتی در مواردی از سلاح مسئولیت مدنی برای مقابله با لطمه به آزادی‌های مدنی مانند آزادی بیان،

عقیده و اطلاعات استفاده شده است. در حقوق کار نیز از این قاعده در مواردی که کارفرما صرفاً به خاطر عقاید کارگر او را اخراج کند، استفاده شده و کارفرما به دلیل سوء استفاده از حق اخراج مسئول جبران خسارت کارگر شناخته شده است.

لطمه به جنبه‌های خانوادگی حقوق مربوط به شخصیت هم جزو مواردی است که به طرح دعوا در دادگاه‌های فرانسه منجر شده است. پدر یا مادری که خواننده مزاحم اعمال حق ولایت آنها شده است؛ پدر بزرگ یا مادر بزرگ که خواننده هرگونه رابطه آنها را با نوه‌هایشان قطع کرده است و همسری که شریک زندگی‌اش به او خیانت کرده است، می‌توانند از عامل زیان تقاضای جبران خسارت معنوی کنند (Viney et Jourdain, 1998, n° 260).

جستجو در رویه قضایی فرانسه نشان می‌دهد که حمایت از جنبه معنوی حقوق مربوط به شخصیت محدود به اشخاص حقیقی نیست و شامل گروه‌های دارای شخصیت حقوقی هم می‌شود؛ بویژه لطمه به اعتبار و شهرت اشخاص حقوقی از طریق گفته‌ها، نوشته‌ها یا اعمال و نیز نقض حق آنها نسبت به نام یا علامت تجاری خود یا افشای اسرار حرفه‌ای متعلق آنها می‌تواند مسئولیت مدنی در پی داشته باشد (Molfessis, 2009, pp. 401-406).

۲. آلمان: در حقوق آلمان پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل اتفاقات پیش آمده در دوران جنگ و پیشرفت فن‌آوری و ارتباطات، خلأ حمایت از حریم خصوصی و سایر حقوق مربوط به شخصیت در قانون مدنی احساس شد. به همین خاطر رویه قضایی^۱ در دعوی شناخت (Schacht) حقی کلی با عنوان «حق بر شخصیت» (das allgemeine Persönlichkeitsrecht) را از ماده ۸۲۳ قانون مدنی این کشور استخراج کرد.^۲ در این دعوا، مجله‌ای مقاله‌ای را در خصوص تأسیس بانک بوسیله دکتر شناخت منتشر کرد که در زمان رژیم هیتلر وزیر امور اقتصادی و مدیر عامل بانک ملی بود. وکیل دکتر شناخت بنا به درخواست او توضیحات و اصلاحاتی را برای مجله مزبور ارسال کرد و طبق قانون مطبوعات خواهان چاپ آن شد، اما روزنامه آن را در ستون مربوط به نامه‌هایی به سردبیر چاپ کرد و این بدان معنی بود که وکیل آقای شناخت شخصاً از او دفاع کرده است. وکیل آقای شناخت خواهان اصلاح موضوع شد و دادگاه به نفع او رأی داد، زیرا انتشار مطلب مزبور تصویری غلط از شخصیت آقای شناخت نشان می‌داد. در این دعوا دادگاه در اقدامی بی سابقه حق کلی بر شخصیت را به عنوان حقی حمایت شده در چارچوب بند ۱ ماده ۸۲۳ قانون مدنی این کشور به رسمیت شناخت. رأی مزبور راه را برای حمایت از انواع مصادیق حقوق مربوط به شخصیت مانند حق بر حریم خصوصی، حیثیت و

۱. البته قبلاً دکتترین میانی نظری و زمینه چنین تحولی را فراهم ساخته بود.

۲. به نظر می‌رسد که حمایت از حقوق مربوط به شخصیت در اصول ۱ و ۲ قانون اساسی آلمان نیز در رویه قضایی تأثیرگذار بوده است.

اعتبار هموار ساخت. بعدها دادگاه برای حمایت مؤثرتر از این حق تقاضای جبران ضرر معنوی به خاطر نقض آن را هم پذیرفت (Markesinis and Unberath, 2002, pp. 74-78 and 412-415;). پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از حق کلی اشخاص بر شخصیت زمینه را برای حمایت از افراد در حوزه‌های مختلف مانند حمایت در مقابل استراق سمع، افشای اطلاعات پزشکی افراد برای اشخاص ثالث بدون رضایت بیمار، استفاده از تصویر زیان‌دیده برای مقاصد تجاری و... فراهم ساخته است؛ بویژه در مواردی که اثبات نقض حق افراد بر تمامیت جسمانی و سلامتشان دشوار است، اما حمایت حقوقی ضروری است، می‌توان به این حق کلی استناد کرد. برای مثال، در یکی از دعاوی مردی ۳۱ ساله دچار سرطان مثانه شده بود و احتیاج به عمل داشت اما چون احتمال عقیم شدن او وجود داشت، مقداری از اسپرم وی بوسیله بیمارستان منجمد شده بود. اتفاقاً فرد مورد بحث بعد از عمل عقیم شد اما بیمارستان مدتی بعد بدون رضایتش اسپرم را از بین برد. زیان‌دیده طرح دعوا کرد و دادگاه عالی آلمان حکم به پرداخت ۲۵۰۰۰ پوند بابت جبران خسارت صادر کرد، اما نه به دلیل نقض حق بر تمامیت جسمانی و سلامت، بلکه به خاطر نقض حق کلی زیان‌دیده نسبت به شخصیتش (Van Dam, 2006, pp. 76-). (77).

اما، برای جلوگیری از گشودن بی حد و حصر دروازه مسئولیت مدنی، حمایت از این حق محدود به ضررهای مهم است. نکته مهم در این زمینه، بویژه با توجه به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آن است که دادگاه باید بین «حق زیان‌دیده نسبت به شخصیت خود» و «حق آزادی بیان خواننده» تعادل ایجاد کند. در واقع، هرچند ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق فرد بر زندگی خصوصی و خانوادگی را پذیرفته است، اما باید توجه داشت که ماده ۱۰ همان کنوانسیون بر تأمین آزادی بیان نیز تأکید ورزیده است. یکی از آرای مهم صادر شده در این زمینه رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه پرنسس کارولین موناکو (Princess Caroline of Monaco) است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ پرنسس کارولین سعی می‌کرد تا از انتشار عکس‌های مربوط به زندگی خصوصی‌اش در مطبوعات جنجالی جلوگیری به عمل آورد؛ اما با وجود این، تعدادی از این عکس‌ها که در اماکن عمومی گرفته شده بود در مجلات آلمان منتشر شد. دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان نظر داد که پرنسس کارولین به عنوان یکی از شخصیت‌های جامعه معاصر، حتی در خارج از منزلش هم از حق بر حریم خصوصی برخوردار است؛ اما به شرط این که در جایی خلوت و به دور از انظار عموم باشد؛ به نحوی که اگر در آنجا نبود طوری دیگر رفتار می‌کرد. دادگاه قانون اساسی در این دعوا آزادی بیان را ترجیح داد و اعلام کرد که منافع عمومی ایجاب می‌کند که مردم بدانند چگونه او خارج از وظایف نمایندگی‌اش

عمل کرده است. اما، دادگاه اروپایی حقوق بشر به نتیجه‌ای متفاوت رسید. البته این دادگاه نیز بر این نکته تأکید کرد که حتی در اماکن عمومی نیز محدوده‌ای از ارتباط فرد با دیگران وجود دارد که در قلمرو «زندگی خصوصی» قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، دادگاه تردیدی ندارد که انتشار عکس‌ها در قلمرو زندگی خصوصی او قرار دارد.

نقض هر کدام از مصادیق حقوق مربوط به شخصیت بر حسب اهمیتی که برای آزادی بیان دارد، ممکن است نتایج متفاوت در پی داشته باشد. برای مثال، چنانچه موضوع مربوط به انتشار نامه‌های خصوصی باشد بستگی دارد که افشای اسرار خصوصی مربوط به عشق پنهانی باشد یا رسوایی سیاسی (Van Dam, 2006, p. 151). در حقوق این کشور از حقوق مربوط به شخصیت از طریق مقررات قانونی و بند ۲ ماده ۸۲۳ نیز حمایت به عمل آمده است؛ از جمله مقررات قانون جزای آلمان در خصوص حمایت از مسکن، حریم خصوصی، ارتباطات کتبی و شفاهی، داده‌های شخصی و اطلاعات محرمانه.

۳. انگلستان: در حقوق انگلستان اصلی کلی برای مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت وجود ندارد. حمایت از این حقوق هنوز هم در چارچوب خطاهایی معین مانند تقلب، اظهارات خلاف واقع توأم با سوء نیت، افتراء، توهین، مزاحمت، نقض اعتماد، حمله، ایراد ضرب و جرح، فروش کالا با علامت تجاری جعلی صورت می‌گیرد. البته قوانینی نیز در این زمینه به تصویب رسیده است؛ مانند قانون افتراء مصوب ۱۹۵۲، قانون حمایت در مقابل اذیت و آزار مصوب ۱۹۹۷ و از همه مهم تر قانون راجع به حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ که دادگاهها را مکلف می‌کند به هنگام تفسیر کامن‌لا حقوق مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مورد توجه قرار دهد؛ بویژه با توجه به ماده ۸ کنوانسیون، حق بر حریم خصوصی در کامن‌لا بر مبنایی کلی تر مورد حمایت قرار می‌گیرد (Wright, 2001, pp. 163-182; Markesinis and Deakin, 2008, p. 750 and ff; Stevens, 2007, pp. 236-242). بررسی برخی از دعاوی این موضوع را نشان می‌دهد.

یکی از این دعاوی که به قبل از تصویب قانون راجع به حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ بر می‌گردد مربوط به چهره مشهور تلویزیون، گوردن کایه (Gordon Kaye) است که به هنگام بستری شدن در بیمارستان به سبب حادثه رانندگی با او مصاحبه شده بود. او به مصاحبه و انتشار آن رضایت داده بود، اما بعدها مشخص شد که در وضعیتی نبوده است که رضای سالم داشته باشد. کایه دعوایی طرح کرد و منع دستور را تقاضا کرد؛ اما قاضی گلیدول با این استدلال که در حقوق انگلستان حق بر حریم خصوصی وجود ندارد، دعوای او را رد کرد. با این همه، دادگاه استیناف راه‌حلی پیدا کرد و بر مبنای اظهار خلاف واقع توأم با سوء نیت

(malicious falsehood) به نفع خواهان دستور منع صادر کرد (Harvey and Mareston 1998, pp.)
(Lunney & Oliphant 2000, pp. 659-660; 524-525).

در سال ۲۰۰۴ مجلس اعیان تصمیمی بنیادی اتخاذ کرد. در این دعوا روزنامه دیلی میروور (Daily Mirror) جزئیات درمان ترک اعتیاد مانکنی به نام خانم نائومی کمپبل (Naomi Campbell) را منتشر کرده بود. خانم کمپبل پذیرفت که روزنامه میروور حق انتشار معتاد بودن و تحت درمان بودن اعتیاد او را داشته، اما جزئیات مربوط به درمان امری خصوصی بوده است. مجلس اعیان در مقام تجدیدنظر از رأی دادگاه بدوی پذیرفت که حقوق انگلستان از حریم خصوصی حمایت می‌کند و خاطر نشان کرد که حقوق ملی باید به گونه‌ای تفسیر شود که اطمینان حاصل شود دولت به تعهدات خود طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حمایت از حریم فردی را ضروری می‌داند، عمل کرده است. با این همه، مجلس اعیان خطایی خاص به نام «خطای نقض حریم خصوصی»^۱ را به رسمیت نشناخت، بلکه تصمیم خود را بر اساس دعوی انصاف به خاطر نقض اعتماد توجیه کرد. قبل از قانون راجع به حقوق بشر، از خطای نقض سوء استفاده از اعتماد به عنوان وسیله‌ای برای حمایت از حریم خصوصی استفاده می‌شد، اما قانون مزبور به دادگاه‌ها این جسارت را داد که حتی در صورت فقدان ارتباط قبلی بین طرفین حکم به مسئولیت دهند. از این رو، خطای سوء استفاده از اعتماد به نحوی گسترش یافت که نه تنها موارد سوء استفاده از اطلاعات خصوصی، بلکه موارد مندرج در ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی) و ماده ۱۰ کنوانسیون (حق آزادی بیان) را در بر گیرد. در دعوی مورد بحث اکثریت اعضای مجلس اعیان نظر دادند که اقدام روزنامه میروور در انتشار جزئیات درمان کامپبل و عکسش به هنگام ترک درمانگاه، حریم خصوصی او را نقض کرده است و از لحاظ منافع عمومی (آزادی بیان) نیز قابل توجیه نیست (Horsey, Kirsty and Rackley, Erika, 2009, pp. 456-457; Hedley, 2006, pp. 51-52).

دعوی دیگر مربوط به مراسم عروسی میشل دوگلاس (Michael Douglas) و کاترین زتا جونز (Catherine Zeta-Jones) بود که قرار بر این بود که تنها از طریق مجله اوکی (OK) پوشش

۱. بر خلاف حقوق انگلستان، در حقوق آمریکا حق بر حریم خصوصی از دیرباز به رسمیت شناخته شده و برای حمایت مدنی از آن خطای خاصی با نام خطای نقض حریم خصوصی (Tort of invasion of privacy) ساخته و پرداخته شده است. سابقه پیدایش این خطا به انتشار مقاله وارن (Warren) و براندیز (Brandeis) در سال ۱۸۹۰ در مجله حقوق دانشگاه هاروارد بر می‌گردد که در آن برای حمایت از حریم خصوصی اشخاص در مقابل شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی مطبوعات جنجالی خطای نقض حریم خصوصی را پیشنهاد دادند که به بحث‌های داغ دانشگاهی و قضایی منجر شد و سرانجام امروزه در تمام ایالات آمریکا، غیر از ایالت رود آیلند (Rhode Island)، به موجب رویه قضایی یا قوانین نقض حریم خصوصی مسئولیت مدنی در پی دارد (Edwards and Wells, 2009, pp. 407-417; Samuel D. Warren (and Louis D. Brandeis, 1890; Dobbs, 2001, p. 1213 and seq.)

داده شود؛ اما دو روز پس از عروسی مجله ای دیگر به نام هلو (*Hello*) نیز بدون اجازه عکس‌هایی را از آن مراسم منتشر کرد. آقای دوگلاس به خاطر نقض حریم خصوصی علیه مجله مزبور طرح دعوا کرد و دادگاه حکم به پرداخت مبلغ ۱۴۷۵۰ پوند به خاطر ایجاد ناراحتی و مزاحمت به نفع خواهان صادر کرد و این تصمیم در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد (McBride and Bagshaw, 2008, pp. 323 and 341; Matthews, Morgan, and O'Kinneide, 2009, pp. 1030-1035).

به اختصار می‌توان گفت که در حقوق انگلستان توسعه قلمرو حمایت از حقوق مربوط به شخصیت، بویژه حریم خصوصی از دو جهت صورت می‌گیرد: نخست گسترش قلمرو خطای سوء استفاده از اعتماد به مواردی فراتر از فرض وجود رابطه قبلی مبتنی بر اعتماد میان طرفین و دوم تفسیر و اعمال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ و قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ (Kinder, 2006, p. 824).

ب- حقوق اسلام و ایران

هر چند در حقوق ایران در قوانین از عبارت حقوق مربوط به شخصیت استفاده نشده است؛ اما این اصطلاح در ادبیات حقوقی ایران تثبیت شده (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۵ به بعد؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۵-۲۹؛ سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۶۳ به بعد؛ پروین، ص ۲۰ تا ۲۸) و در اصولی از قانون اساسی^۱ و قوانین مختلف مصادیقی از این حقوق مورد توجه و حمایت قانونگذار قرار گرفته است. از جمله در قانون مدنی از حق تمتع از حقوق مدنی (ماده ۹۵۹)، حریت اشخاص (ماده ۹۶۰)، حق بر نام خانوادگی (ماده ۹۹۸ قانون مدنی)، حقوق و تکالیف خانوادگی در رابطه بین زوجین (ماده ۱۱۰۲ به بعد قانون مدنی)، حقوق و تکالیف خانوادگی در رابطه بین اوبین و اولاد (ماده ۱۱۶۸ به بعد قانون مدنی) و قاعده تسلیط مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی که متضمن منع مداخله غیر در حقوق مالکانه افراد است.

در قانون مجازات اسلامی هم مصادیقی از حقوق مربوط به شخصیت جرم‌انگاری شده است؛ اما به باور پاره‌ای از حقوقدانان این موارد بویژه در خصوص آنچه مربوط به نقض حریم خصوصی است کامل نیست و کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد (رحمدل، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶-۱۱۹).^۲ همچنین در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحی ۱۳۷۹ انتشار مطالبی که مشتمل بر

۱. از جمله اصول ۲۲ و ۲۵ و بند ۶ اصل ۲ (کرامت و ارزش والای انسان).

۲. از جمله جرم بودن و ممنوعیت قذف (مواد ۱۳۹ تا ۱۶۴)، هتک حرمت اشخاص (مواد ۶۰۸ و ۶۰۹)، جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی (مواد ۶۴۲ تا ۶۴۷)، هتک حرمت منازل و املاک غیر (مواد ۶۹۰ تا ۶۹۶)، افتراء و توهین و هتک حرمت (مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰)، ایجاد مزاحمت از طریق تلفن و دستگاه‌های مخابراتی (ماده ۶۴۱)، ممنوعیت افشای اسرار مردم (ماده ۶۴۸)، ممنوعیت سلب غیرقانونی آزادی دیگری (مواد ۵۷۰ و ۵۸۳)، نقض حریم خصوصی ارتباطات از سوی مستخدمین و مأمورین دولتی (ماده ۵۸۲).

تهدید به هتک حرمت، شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع اعلام شده است (ماده ۳۱) و از آن مهم تر به شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) اجازه داده شده تا برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور به او وارد شده، به دادگاه صالح شکایت کند. قانون مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۰ به صراحت مصونیت حریم اطلاعات خصوصی کاربران و ممنوعیت دسترسی غیرقانونی رسانه‌ها و هر مرجع دیگر به فعالیت‌های کاربران را اعلام کرده است. فصل سوم از مبحث اول قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ به حمایت از داده‌های مرتبط با زندگی خصوصی اشخاص در محیط مجازی اختصاص یافته است. قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ با اصلاحات بعدی (در خصوص حقوق معنوی پدیدآورنده)، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و برخی از قوانین دیگر در اینجا مجال پرداختن به آن نیست متضمن احکامی در این زمینه است. اما، از همه مهم تر قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ است که در جریان کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت رعایت برخی از مصادیق حقوق مربوط به شخصیت را در خصوص متهمین ضروری دانسته است.

در ارتباط با تکلیف به جبران خسارات ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در حقوق ایران، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که به پیروی از ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان به شمارش حقوق موجب مسئولیت مدنی پرداخته، برخی از مهمترین مصادیق حقوق مربوط به شخصیت را (جان، سلامتی، آزادی، حیثیت و شهرت تجارتي) ذکر کرده است و با توجه به این که مصادیق ذکر شده در این قانون حصری نیست و نقض هر حق دیگری که قانون برای افراد ایجاد کرده باشد مسئولیت مدنی در پی دارد، نقض سایر حقوق مربوط به شخصیت که در قوانین مختلف ذکر شده مشمول این حکم است. مواد ۸ و ۱۰ همان قانون نیز بعد از اعلام مسئولیت‌آور بودن لطمه به حیثیت و اعتبارات تجاری، شخصی و خانوادگی و لزوم جبران ضررهای مادی و معنوی ناشی از آن، نحوه جبران ضرر (صدور حکم به خسارت مالی، الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال) و توقف فعل زیانبار را مشخص کرده است.

همچنین در حقوق اسلام قاعده لاضرر در اصل برای حمایت از حقوق مربوط به شخصیت ساخته و پرداخته شده است؛ زیرا، مدرک اصلی این قاعده حدیث معروفی است که طبق آن شخصی به نام سمره بن جندب در نزدیکی خانه مردی از انصار درخت خرمايي داشت که راه عبور آن از داخل ملک او می‌گذشت. سمره برای سرکشی به درخت و انجام امور آن به کرات و سرزده وارد ملک مرد انصاری می‌شد و به این ترتیب موجبات باعث مزاحمت خانواده مرد

انصاری را فراهم می‌ساخت تا این که عرصه بر صاحب خانه تنگ شد و به همین دلیل روزی به سمره گفت تو بدون اعلام و اطلاع وارد خانه من می‌شوی در حالی که ممکن است اعضای خانواده من در وضعیتی باشند که تو نباید آنها را ببینی، لذا از این به بعد هنگام عبور باید اجازه‌گیری تا خانواده‌ام مطلع شوند. سمره در پاسخ گفت که چون حق ارتفاق دارم لزومی به اعلام و اجازه نمی‌بینیم. از این رو مرد انصاری مجبور به شکایت نزد رسول اکرم (ص) شد. پیامبر لزوم اخذ اجازه را به سمره تذکر داد، اما او نپذیرفت. حضرت برای دست برداشتن از درخت به وی پیشنهادهای مختلف داد، اما باز موافقت ندارد، تا این که پیامبر به مرد انصاری اجازه داد برای جلوگیری از ورود ضرر برود درخت را بکند و نزد سمره اندازد (کلینی، ۱۳۴۸ ش، کتاب المعیشه، باب الضرر روایت ۲ و ۸؛ محقق داماد، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۷ و ۱۳۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵).

در روایت فوق به وضوح نقض حریم خصوصی مرد انصاری علت صدور دستور پیامبر (ص) برای درآوردن درخت نخل اعلام شده و هر چند در این قضیه حکم به پرداخت خسارت صادر نشده است؛ اما دستور توقف فعل زیانبار (نقض حقوق مربوط به شخصیت) داده شده است و این امر خود از جمله ضمانت اجراهای مسئولیت مدنی است. در واقع، مسئولیت مدنی تنها الزام به جبران خسارت پولی نیست؛ دستور دادگاه برای جلوگیری از ورود خسارت در آینده و رفع تجاوز از حقوق خواهان (Injunction) هم جزو ضمانت اجراهای آن است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۶۲۰).

همچنین نباید به بهانه قابل جبران نبودن خسارت معنوی در حقوق اسلام نسبت به جبران ضررهای ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت تردید ایجاد کرد. زیرا، از طرفی، شبهه‌ای که در این بعد وجود دارد در خصوص جبران ضرر معنوی با پول است^۱ و در ارتباط با جبران چنین ضرری از طریق شیوه‌های غیرپولی مانند عذرخواهی، اعاده حیثیت، دادن حق پاسخگویی، همدردی و... تردید وجود ندارد. از طرف دیگر، باید توجه داشت که ضررهای ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت تنها جنبه معنوی ندارد؛ بلکه ممکن است آثار مالی هم در بر داشته باشد؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کسر اعتبار اشخاص (حقیقی یا حقوقی) که بستگی به برخی از جنبه‌های حقوق مربوط به شخصیت فرد دارد؛ ارزش بازاری هویت شخصی مانند ویژگی خاص یا شباهت که در آگهی از آن استفاده می‌شود؛ نام افراد که در عین حال به عنوان نام تجاری از آن استفاده می‌شود (Neethling, 2006, pp. 542-543).

به عنوان نتیجه می‌توان گفت که برغم این که در قوانین مختلف برخی از مصادیق حقوق مربوط به شخصیت مورد حمایت قرار گرفته است؛ اما هنوز در این زمینه نظریه عمومی ارایه

۱. حتی عده‌ای بر این باورند که در حقوق اسلام ضرر معنوی نیز با پول قابل جبران است (حسینی نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲).

نشده و در قوانین حقی کلی با عنوان «حق بر شخصیت» مورد حکم قرار نگرفته است و در رویه قضایی نیز در این زمینه آرای قابل توجهی یافت نمی‌شود. همگامی با تحولات صورت گرفته در زندگی بشر، تصویب قانونی جامع در این زمینه را ایجاب می‌کند. آیا حیثیت، اعتبار و حریم خصوصی انسان‌ها ارزش کمتری از مال یا بدن آنها دارد؟

فایده به رسمیت شناختن «حق بر شخصیت» در نظام مسئولیت مدنی این است که در این صورت صرف نقض این حق بدون نیاز به اثبات تقصیر و حتی ضرر، مسئولیت مدنی در پی خواهد داشت. وانگهی، ممکن است بر اثر تحولات اجتماعی مصادیقی جدید از حقوق مربوط به شخصیت که در قوانین به آنها تصریح نشده است، بوسیله رویه قضایی به رسمیت شناخته شود و در قلمرو شمول حق کلی بر شخصیت قرار گیرد و بدین سان نظام حقوقی در این زمینه هیچگاه با خلأ روبرو نخواهد شد (Neethling, 2006, pp. 532-533).

گفتار دوم - مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر

ارتباط مسئولیت مدنی و حقوق اساسی تنها در بحث مسئولیت مدنی دولت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه امروزه در نظامهای حقوقی پیشرفته به مسئولیت مدنی به عنوان یکی از مظاهر تجلی ارزش‌ها و حقوق و آزادی‌های فردی مندرج در قانون اساسی نگریسته می‌شود. حتی این تلقی به سایر شاخه‌های حقوق خصوصی نیز تسری پیدا کرده است، به نحوی که عده‌ای از «اساسی‌سازی حقوق خصوصی» (Constitutionalization of private law) صحبت می‌کنند (Markesinis, 1990, p. 10;)

بر خلاف حقوق بشر که بعد از جنگ جهانی دوم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر شکل گرفته، نظام‌های مسئولیت مدنی از گذشته دور وجود داشته و به تدریج تکامل پیدا کرده است (Levmore, 1994, pp. 67-80)؛ بسیاری از مصادیق حقوق مربوط به شخصیت که در گفتار نخست مورد بررسی قرار گرفت، در عین حال جزو مصادیق حقوق بشر هم هستند؛ از جمله حق بر حریم خصوصی، حیثیت و کرامت و.... حال پرسش اساسی این است که آیا قرار گرفتن حقوق مزبور در قلمرو حقوق بشر ماهیتشان را تغییر می‌دهد یا تنها حمایت از آنها تقویت می‌شود و علاوه بر برخورداری از ضمانت اجرای حقوق خصوصی و ضمانت اجرای کیفی، مشمول ضمانت اجرای حقوق عمومی هم می‌شود (Neethling, 2006, p. 544)؟ به عبارت دیگر، آیا از ضمانت اجرای مسئولیت مدنی می‌توان در دعاوی مربوط به نقض حقوق بشر استفاده کرد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، پرسش‌هایی دیگر هم مطرح می‌شود؛ از جمله این که آیا در این زمینه تفاوتی بین دولت و سایر افراد وجود دارد و می‌توان علاوه بر دولت در مقابل اشخاص خصوصی هم به نقض حقوق بشر استناد کرد؟

پاسخ به پرسش فوق در ابتدا مستلزم این است که بدانیم حقوق بشر کدام است و در مقابل در مسئولیت مدنی از چه حقوق و منافعی حمایت می‌شود و تا چه حد بین قلمرو این دو تداخل و تفاوت وجود دارد (Cornhill, 1998, pp. 1-12; Mason, Sir Anthony, 1998, pp. 13-34). حقوق بشر را به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند: حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. دسته‌ی نخست مستقیماً قابل اجرا هستند و رعایت آنها مستلزم این است که دولت از انجام اموری خاص خودداری کند، اما دسته‌ی دوم ماهیت آرمانی دارند و رعایت آن مستلزم دخالت دولت و تخصیص منابع است (Harris, 2000, p. 1-38).^۱

پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که با توجه به این که حقوق بشر مربوط به حقوق عمومی است و هدف آن حمایت از افراد در مقابل اعمال افراطی قدرت عمومی است؛ در حالی که مسئولیت مدنی جزو شاخه‌های حقوق خصوصی است و هدف آن تنظیم روابط افراد است، چگونه می‌توان به خاطر نقض حقوق بشر ضمانت اجراهای مسئولیت مدنی را اعمال کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت که امروزه اصل مصونیت دولت متروک شده و در تمام نظام‌های حقوقی دولت به دلیل نقص تشکیلات، کوتاهی در انجام وظایفش و رفتار کارکنانش و ممکن است از لحاظ مدنی مسئول شناخته شود و یکی از مصادیق این مسئولیت می‌تواند مسئولیت مدنی به خاطر نقض حقوق بشر باشد. وانگهی، حتی از این هم می‌توان فراتر رفت و اشخاص خصوصی را هم به خاطر نقض این حقوق مسئول شناخت کما این که قوانین کار در کشورهای مختلف تکالیف حقوق بشری را مانند منع تبعیض بین کارکنان، به کارفرمایان تحمیل کرده است. همچنان که در گفتار نخست نشان داده شد که دادگاه‌ها در کشورهای مختلف در بسیاری از مصادیق حقوق مربوط به شخصیت که در عین حال جزو موارد حقوق بشر نیز محسوب می‌شوند (مانند نقض حریم خصوصی و آزادی بیان و اطلاعات)، در رابطه بین افراد خصوصی دعوی مسئولیت مدنی را می‌پذیرند و حکم به جبران خسارت می‌دهند.

نحوه حمایت از حقوق بشر در کشورهای مختلف متفاوت است: در بسیاری از کشورها مانند ایران، آمریکا و کانادا این حقوق در قانون اساسی آمده است. اما، در پاره‌ای از کشورها مانند نیوزیلند به حقوق مزبور در قوانین عادی تصریح شده است. از لحاظ بین‌المللی هم حمایت از حقوق بشر بستگی به این دارد که آیا معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی جزو حقوق داخلی کشورها محسوب می‌شود یا خیر؟ در بسیاری از کشورها این اسناد در صورتی لازم‌الاجراست که بوسیله قوانین داخلی پذیرفته شده باشد. اما در هر حال الحاق به اسناد بین‌المللی حقوق بشر تعهداتی را از لحاظ بین‌المللی برای دولتهای عضو به دنبال دارد و غالباً

۱. از این رو، دسته دوم از حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) از موضوع این مقاله خارج است و در اینجا منظور از مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر، بیشتر «حقوق مدنی و سیاسی» است.

برای اجرای این اسناد دادگاه‌ها و نهادهایی خاص ایجاد می‌شود؛ کما این که برای رسیدگی به موارد نقض حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی کمیته حقوق بشر ایجاد شده است و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز به موارد نقض حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوسیله دولت‌های عضو رسیدگی می‌کند.

این که آیا می‌توان از حقوق بشر در قالب دعوی مسئولیت مدنی حمایت کرد یا خیر بستگی به ماهیت این حقوق و بررسی این موضوع دارد که آیا حقوق بشر صرفاً تعهدی منفی برای قوه مقننه و مجریه ایجاد می‌کند و به دیگر سخن، تنها دارای «اثر عمودی» (Vertical effect) است و محدود به رابطه دولت و شهروندان است و یا این که نقض این حقوق مسئولیت مدنی در پی دارد و از این رو دارای «اثر افقی» (Horizontal effect) هم هست و در رابطه اشخاص خصوصی نیز اجرا می‌شود؟ چنانچه حقوق بشر چیزی بیش از اعمال محدودیت منفی برای قدرت دولت نباشد (یعنی دولت تنها کافی است از انجام برخی کارها که به نقض این حقوق منجر می‌شود خودداری کند)، دو نتیجه به دست می‌آید: نخست این که تنها در مقابل دولت می‌توان به این حقوق استناد کرد نه در مقابل اشخاص خصوصی. دوم این که به خاطر نقض این حقوق نمی‌توان دعوی جبران خسارت، حتی بر علیه دولت طرح کرد.

نظریه مرسوم در کامن‌لا این بوده است که حقوق بشر تنها تعهدی منفی برای قوای مقننه و مجریه بوجود می‌آورد. برای مثال، رویه قضایی در استرالیا دعوی جبران خسارت را علیه دولت به دلیل عدم رعایت اعمال محدودیت‌هایی بر قدرت را نپذیرفته که قانون اساسی آنها را لازم دانسته است؛ زیرا به باور دادگاه، قانون اساسی استرالیا تنها با اختیارات و وظایف دولت در ارتباط است و از آن بر نمی‌آید که خارج از چارچوب کامن‌لا، حق اقامه دعوا برای مطالبه خسارات را به رسمیت شناخته باشد (Mason, 1998, pp. 18-23).

اما، عقیده فوق امروزه طرفداران چندان ندارد و هم در حقوق بین‌الملل و هم در نظام‌های حقوق داخلی باور غالب این است که دولت تعهدات مثبتی هم در این زمینه بر عهده دارد و باید برای اجرای حقوق بشر حتی در قلمرو روابط افراد با یکدیگر اقداماتی به عمل آورد. وانگهی، صدور حکم به جبران خسارت یکی از ضمانت‌اجراهای مؤثر نقض حقوق بشر است. این اصل در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۲ و ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۱۳ و ۴۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۶ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نژادی، بند ۳ ماده ۲ محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان پذیرفته شده است و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دادگاه اروپایی حقوق بشر در موارد بسیار آن را اعمال کرده است.

در حقوق داخلی کشورها نیز روز به روز گرایش به پذیرش مسئولیت مدنی در حوزه حقوق بشر بیشتر می‌شود. چنانکه در حقوق بلژیک، نقض یکی از موارد حقوق بشر به خودی خود طبق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی این کشور تقصیر محسوب می‌شود. در حقوق فرانسه شورای قانون اساسی، با اعلام این مطلب که: «آزادی بدان معنی است که افراد مجاز باشند هر آنچه را که باعث اضرار دیگران نشود، انجام دهند»، ارتباطی مستقیم بین ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی این کشور و اعلامیه حقوق مدنی و انسانی مصوب ۲۶ آگوست ۱۹۷۸ برقرار کرد (Bar, 1998, pp. 575-578).

منشور حقوق و آزادی‌های کانادا دادگاه صالح را مجاز دانسته است تا در صورت نقض یا انکار حقوق و آزادی‌های تضمین شده افراد، چنانچه مطابق اوضاع و احوال صدور حکم به جبران خسارت را مناسب و عادلانه بداند نسبت به این امر اقدام کند. هر چند قانون اعلامیه حقوق نیوزیلند در خصوص راههای جبران و صدور حکم به پرداخت غرامت ساکت است؛ اما دادگاه‌ها استیناف این کشور دعوای جبران خسارت به خاطر نقض حقوق تضمین شده را پذیرفته است. در قضیه موسوم به بایگنت (Baigent's Case)^۱ خواهان به خاطر بازرسی غیرمعمول که مغایر قسمت ۲۱ قانون اعلامیه حقوق این کشور محسوب می‌شود،^۲ تقاضای جبران خسارت کرد که به عقیده اکثریت اعضای دادگاه اعلامیه مزبور بطور ضمنی لازم می‌دارد تا راههای جبران مؤثر به خاطر نقض حقوق مندرج در آن وجود داشته باشد و در این دعوا مناسب‌ترین راه جبران پرداخت غرامت است (Mason, 1998, pp. 21-22).

البته باید به این نکته توجه کرد که استناد به حقوق بشر در مسئولیت مدنی تنها بطور یکجانبه از سوی خواهان صورت نمی‌گیرد؛ بلکه خواننده نیز ممکن است به آن استناد کند. زیان‌دیده عمدتاً در موارد زیر می‌تواند به دلیل نقض حقوق بشر دعوای مسئولیت مدنی طرح کند: نقض آزادی رفت و آمد، لطمه به جان، تمامیت جسمانی و سلامتی، نقض حریم خصوصی، لطمه به حیثیت، کرامت و اعتبار، نقض حق انسان بر محیط زیست و مباحث مربوط به تولد ناخواسته فرزند و فرزند معلول (Wrongful birth and wrongful life). در مقابل، خواننده می‌تواند برای معافیت از مسئولیت به حقوقی مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات (مثلاً در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از اعتصاب) و آزادی کلی عمل استناد کند (Von Bar, 1998, pp. 581-617).

۱. مطرح شده در دعوای Simpson v Attorney General, 1994.

۲. مطابق این ماده: «هر کس حق دارد در مقابل بازرسی یا توقیف غیرمعمول، اعم از شخص، مال یا مکاتبات یا غیر آن، مصون باشد.»

در حقوق ایران علاوه بر این که فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۱۹ تا ۴۲)، مهم ترین مصادیق حقوق بشر را به رسمیت شناخته است، دولت ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیوسته و طبق ماده ۹ قانون مدنی، اسناد اخیر در حکم قانون داخلی است. اما سؤال مهم که کمتر در حقوق ایران به آن پرداخته شده این است که چنانچه حقوق مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد فوق نقض شود، زیان‌دیده از چه حقوقی برخوردار است و آیا می‌تواند تقاضای جبران خسارت کند؟

در پاسخ ممکن است گفته شود که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون یادشده بر عهده رئیس جمهور است و برابر مواد ۱۳ تا ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم، اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور پیگیر اجرای قانون اساسی خواهد بود و دادگاه‌ها مستقیماً حق صدور رأی مبنی بر جبران خسارت بر اساس اصول قانون اساسی را ندارند. اما، این توهّم را باید از ذهن زدود و با آن دسته از حقوق‌دانان همگام شد که بر این باورند که قاضی در حقوق ایران مسئول اجرای قانون (اعم از قانون اساسی و عادی) است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۷۹ و ص ۱۵۹ به بعد). پس، چنانچه به دلیل نقض حقوق بشر مندرج در قانون اساسی و یا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شخصی ضرری وارد شود؛ علاوه بر این که رئیس جمهور مکلف است طبق قوانین فوق و اصول حقوق عمومی و اختیارات خود پیگیر نقض قانون اساسی شود، زیان‌دیده هم می‌تواند طبق اصول حقوق خصوصی برای جبران ضرر به دادگاه صالح مراجعه کند و اگر نقض‌کننده حق قاضی یا دستگاه دولتی باشد، دادگاه مکلف است در حدود اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نسبت به رسیدگی به دعوا و صدور حکم اقدام کند. با این همه، استفاده از نظام مسئولیت مدنی الزامی نیست و دولت می‌تواند، برای جبران این گونه خسارات از طرح‌های خاص جبران خسارت مبتنی بر بیمه اجباری و یا تأمین اجتماعی استفاده کند. کما این که طرحی در مجلس شورای اسلامی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان اقدامات تروریستی مطرح شده است.^۱ پیشنهاد می‌شود که محتوای طرح پیشنهادی عام‌تر شود، به نحوی که تمام زیان‌دیدگانی را نیز در برگیرد که به دلیل نقض حقوق بشر آسیب دیده‌اند.

۱. در بند د ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ قوه قضاییه مکلف شده بود لایحه‌ای را با عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی» تهیه و به تصویب مراجع صالح برساند.

نتیجه

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت و حقوق بشر با مباحث مربوط به آزادی بیان، مطبوعات و اطلاعات گره خورده است و اعمال ضمانت اجرای مسئولیت مدنی باید با هدف ایجاد تعادل در بین این دو دسته از حقوق باشد. حقوق بشر تنها برای دولت تعهد منفی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه دولت مکلف است به انحاء مختلف از شهروندان در مقابل نقض حقوق بشر حمایت به عمل آورد و کوتاهی دولت در این زمینه مسئولیت مدنی به همراه دارد. همچنین حقوق بشر، علاوه بر دولت، در روابط افراد با یکدیگر نیز قابل استناد است و از این رو «اثر افقی» هم دارد و محدود به رابطه دولت و شهروندان (اثر عمودی) نیست و می‌توان گفت که نقض حقوق بشر به خودی خود تقصیر است.

ضررهای ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت و حقوق بشر، علاوه بر جنبه معنوی، ممکن است آثار مالی هم در بر داشته باشد: اعتبار اشخاص که بستگی به برخی از جنبه‌های حقوق مربوط به شخصیت فرد دارد؛ ارزش بازاری هویت شخصی فرد مانند نام یا شباهت که در آگهی از آن استفاده می‌شود؛ نام افراد که در عین حال به عنوان نام تجاری از آن استفاده می‌شود از آن جمله است. همچنین اشخاص حقوقی هم به خاطر استفاده غیر مجاز از نام یا علامت تجاری یا کسر اعتبارشان می‌توانند تقاضای جبران خسارت کنند.

با عنایت به دشواری اثبات ورود ضرر و ارزیابی میزان آن در دعاوی مربوط به نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر، در مواردی که عرفاً و بر حسب جریان عادی امور نقض این حقوق متضمن ضرر باشد، می‌توان خواهان را از اثبات ورود ضرر معاف کرد و او را مستحق میزان خسارتی دانست که معمولاً از این گونه افعال زیانبار به بار می‌آید. همچنین در این حوزه در مواردی، بویژه در خصوص تقصیر عمدی اشخاص و تقصیر انتفاعی رسانه‌های همگانی، استفاده از خسارات تنبیهی می‌تواند راهکار مفیدی برای پیشگیری و جلوگیری از نقض حقوق مربوط به شخصیت باشد.

در حقوق ایران، هنوز در این باره نظریه عمومی ارایه نشده و حتی کلی با عنوان «حق بر شخصیت» مورد حکم قرار نگرفته است. همگامی با تحولات صورت گرفته در زندگی بشر، تصویب قانونی جامع در این زمینه و به رسمیت شناختن «حق بر شخصیت» در نظام مسئولیت مدنی را ایجاب می‌کند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی و عربی

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، ج ۱ نشر میزان.

۲. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، شرکت سهامی انتشار.
۳. بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۹)، *قواعد فقه، قاعده لاضرر*، دانشگاه امام صادق.
۴. پروین، فرهاد، (۱۳۸۰)، *خسارت معنوی در حقوق ایران*، ققنوس.
۵. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۷)، *مسئولیت مدنی*، مجد.
۶. رحمدل، منصور، (۱۳۸۴)، *حق انسان بر حریم خصوصی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش. ۷۰.
۷. سلطانی نژاد، هدایت الله، (۱۳۸۰)، *خسارت معنوی*، نورالتقلین.
۸. صفایی، حسین و قاسم‌زاده مرتضی، (۱۳۸۸)، *اشخاص و محجورین*، انتشارات سمت.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، *فلسفه حقوق*، ج. دوم شرکت سهامی انتشار.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۴۸ ش)، *کافی*، دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۰)، *قواعد فقه*، نشر علوم اسلامی.
۱۲. موحد، محمد علی، (۱۳۸۱)، *در هوای حق و عدالت*، نشر کارنامه.

ب- خارجی

- 1-Batteur, Annick, (2009), **Droit des personnes, des familles et des majeurs protégés**, 4e edition, L.G.D.J.
- 2-Brüggemeier, Gert, (2006), **Constitutionalization of private law-The German Perspective**, In *Constitutionalization of private law*, Martinus Nijhoff Publishers.
- 3-Courbe, Patrick, (2009), **Les personnes, la famille, les incapacités**, Dalloz, 7e edition.
- 4-Deakin, Simon, Johnston, and Markesinis, Basil, 2008, **Markesinis and Deakin's Tort Law**, Sixth edition, Oxford University Press.
- 5-Dobbs, Dan B., (2001), **The Law of Torts**, West Group, 1st reprint edition.
- 6-Edwards, Linda L., Edwards, Stanley J. and Kirtley Wells, Patricia, 2009, **Tort Law**, 4th ed., Delmar Cengage Learning.
- 7-Fletcher, George P., (2008), **Tort Liability for Human Rights Abuses**, Hart Publishing.
- 8-Foster, Nigel & Sule Stish, 2010, **"German legal system and laws"**, Oxford.
- 9-Harris, Neville, (2000), **The Welfare State, Social Security and Social Citizenship Rights**, in *Social Security Law in context*, Oxford University Press.
- 10-Harvey, Barbara and Mareston John, 1998, **Cases and Commentary on tort**, Financial Times Pitman Publishing, 3rd edition.
- 11-Hedley, Steve, 2006, **Tort**, Oxford, 5th edition.
- 12-Horsey, Kirsty and Rackley, Erika, 2009, *Tort law*, Oxford.
- 13-Kayser, p., 1971, **Les droits de la personnalité**, RTD. Civ.
- 14-Kinder, Richard, (2006), **Casebook on Torts**, ninth edition, Oxford University Press.
- 16-Levmore, Saul, (1994), **Rethinking Comparative Law: Variety and Uniformity in Ancient and Modern Tort Law**, in *Foundations of Tort Law*, Oxford.
- 17-Lord Bingham of Cornhill, (1998), **Tort and Human Rights**, In *The Law of Obligations*, edited by Peter Cane and Jane Stapleton, Clarendon Press, Oxford.
- 18-Lunney, Mark & Oliphant, Ken, (2000), **Tort Law: Text and materials**, Oxford.
- 19-Malaurie, Philippe et Aynès, (2009), Laurent, **Les personnes, la protection de mineurs et de majeurs**, 4^e éme édition, Lextenso éditions.
- 20-Markesini, Basil, 1990, *Constitutionalization of private law*, *Modern Law Rev.* 53.
- 21-Markesinis, B. S. and Unberath Hannes, (2002), **The German Law of Torts, A Comparative Treatise**, 4th edition, Hart Publishing.
- 22-Mason, Sir Anthony, (1998), **Human Rights and the Law of Torts**, In *The Law of Obligations*, edited by Peter Cane and Jane Stapleton, Clarendon Press, Oxford.
- 23-Matthews, Martin, Morgan, Jonathan and O'Conneide, Colm, (2009), **Hepple and Matthews' Tort: Cases and Materials**, 3rd edition, Oxford.
- 24-McBride, Nicolas and Bagshaw, Roderick, 2008, **Tort law**, Pearson Longman.
- 25-Molfessis, Nicolas, (2009), **La réparation du préjudice extrapatrimonial**, dans *Les limites de la réparation du préjudice*, Dalloz.

- 26-Neethling, Johann, **Personality Rights**, (2006), In Elgar Encyclopedia of Comparative, edited by Jan M. Smits, Edward Elgar.
- 27-Ollier, Pierre-Dominique and Le Gall, Jean-Pierre, (1983), **International Encyclopedia of Comparative Law**, Volume XI, Torts, Chapter, 10, Various damages.
- 28-Stevens, Robert, (2007), **Torts and Rights**, Oxford University Press.
- 29-Van Dam, Cees, (2006), **European Tort Law**, Oxford University Press.
- 30-Viney, Geneviève et Jourdain, Patrice, 1998, **Les conditions de la responsabilité**, 2ème édition, L.G.D.J.
- 31-Von Bar, Christian von, (2000), **The Common European Law of Torts**, Vol 2, Clarendon Press, Oxford, First published.
- 32-Wright, Jane, (2001), **Tort Law and Human Rights**, Oxford: Hart
- 33-Zweigert, Konard & Kötz, Hein, (1998), **An Introduction to Comparative Law**, Translated by Tony Weir, Clarendon Press, Oxford, Third revised edition.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، سال ۸۲، شماره ۶۲؛ «هدف مسئولیت مدنی»، سال ۸۳، شماره ۶۶؛ آیا حقوق دانش مستقلی است؟ سال ۸۵، شماره ۷۴؛ قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷. «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران»، سال ۱۳۸۷، شماره ۴. «نگرشی انتقادی به معیار «انسان معقول و متعارف» برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی» سال ۱۳۸۹، شماره ۱. «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیر قراردادی متصدی حمل و نقل هوایی» سال ۱۳۸۹، شماره ۳. «بررسی تطبیقی قابلیت جبران «ضرر اقتصادی» در مسئولیت مدنی» سال ۱۳۹۰، شماره ۱. «مبانی ارادی دعوای شخص ثالث» سال ۱۳۹۰، شماره ۳.